

## بررسی دو عامل موسیقایی وزن و ردیف در غزلیات امیر خسرو دهلوی و حافظ

(ص ۴۵۶ - ۴۳۹)

سوسن یزدانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)، مسعود روحانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۲/۲۰

### چکیده

امیر خسرو دهلوی شاعری موسیقیدان است، لذا در کاربرد عوامل موثر بر موسیقی شعر از مهارت خاصی برخوردار است، بنابراین مقایسه موسیقی غزلیات او با شاهکاری چون غزلیات حافظ سبب میشود تا آشکار گردد، حافظ از چه شگردهایی استفاده کرده است که با وجود به کارگیری بهتر عوامل ظاهری موسیقایی در شعر امیر خسرو دهلوی، در نهایت موسیقی شعر او دلنشین تر گشته است؟ مقاله حاضر بر اساس الگوی ارائه شده در کتاب موسیقی شعر، با شیوه توصیفی-تحلیلی و مقایسه ای انجام گرفت و در نهایت این نتیجه به دست آمد که: با وجود آنکه اوزان به کار گرفته شده در غزلیات حافظ به نسبت امیر خسرو تنوع کمتری دارد و از جهت کاربرد ردیف و قافیه نیز امیر خسرو دهلوی به سبب اشراف بر موسیقی، ردیفها و قافیه های غنیتری بکار برده است؛ اما در نهایت موسیقی برخاسته از غزلیات حافظ بهتر از کار درآمده چرا که آهنگ شعر محدود به بحر آن نیست بلکه در نوع پیوست کلمات با یکدیگر و ایقاعهای شعر، موسیقی شگفت انگیزی آفریده میشود. لذا حافظ با استفاده از این شگرد زبانی از یک وزن، موسیقیهای متنوعی آفریده است. در موسیقی کناری نیز او به جای آن که شعر و فضای آن را با ردیفهای طولانی محدود کند، از شگردهای خاصی، نظیر: هماهنگی فضای عاطفی شعر با حروف قافیه یا ردیف استفاده کرده است و بدین ترتیب موسیقی شعر حافظ منحصر بفرد گشته است.

### کلمات کلیدی

امیر خسرو دهلوی، حافظ، غزلیات، موسیقی شعر، وزن، ردیف

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ملی تاجیکستان sy.notring@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه مازندران

### مقدمه

ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش از آن جهت است که در بررسی و مقایسهٔ موسیقی شعر در آثار شاعران می‌توان، عوامل متفاوتی را که سبب برجستگی، تشخیص و مقبول‌عام شدن یک اثر نسبت به دیگر آثار میشود، شناخت. لذا با توجه به استادی امیرخسرو در موسیقی و با توجه به راز جاودانگی حافظ در خلق موسیقی دلنشین، در این مقاله عامل موسیقی بیرونی (وزن) و ردیف، یکی از عوامل برجسته در آفرینش موسیقی کناری، با شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای درغزلیات دو شاعر مورد مقایسه و بررسی قرار گرفت. تا معلوم گردد چرا با وجود برتری امیرخسرو دهلوی در کاربرد برخی عوامل موسیقایی، در نهایت موسیقی برخاسته از غزلیات حافظ بینظیر گشته است و راز جاودانگی حافظ در آفرینش این موسیقی در چیست؟

### اوزان امیرخسرو از جهت تنوع

امیرخسرو در سرودن غزلیاتش، بیشتر از اوزان مطبوع و پرکاربرد استفاده کرده است. برخی از این اوزان در غزلیات امیرخسرو متحدالارکان و برخی دیگر مختلف الارکانند، او در غزلیاتش وزنه‌های دوری نیز به کار برده است. امیرخسرو از تمامی اوزان مطبوع اصلی، «رمل، متقارب، هزج، رجز، سریع، منسرح، مضارع، مجتث، خفیف» و زحافات آنها استفاده نموده است. برای نمونه شکل کامل بحر رمل مثنیٰ سالم تنها یکبار (غزل ش ۱۹۷۸) و رمل مسدس سالم ۲۳ بار در دیوان امیرخسرو آمده است اما شکل‌های دیگر این بحر پرکاربردترین وزن در دیوان غزلیات اوست چنانکه در کل غزلیات امیرخسرو، ۵۷۵ غزل، در شکل‌های رمل مثنیٰ مقصور، رمل مثنیٰ مخبون، مسدس مقصور و مخبون و مثنیٰ و مسدس سالم سروده شده است:

گنج عشق تو نهان شد در دل ویران ما      میزند زان شعله دایم آتشی در جان ما  
\* «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن»      دیوان امیرخسرو (ش ۲۲ ب ۱)

یکی از اوزان رایج در بحر رمل «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن» است که آن را بحر رمل مثنیٰ مشکول گویند. این وزن یکی از زیباترین اوزان شعر فارسی است. امیرخسرو سی بار در این زحاف از بحر رمل، طبع آزمایی کرده است:

ز سر کرشمه یک ره نظری به روی من کن      به عنایتی که دانی گذری به سوی من کن  
دیوان امیرخسرو (ش ۱۶۴۶ ب ۱)

دومین وزن شایع در دیوان امیرخسرو دهلوی بحر هزج است. چنانکه او ۱۷۳ غزل در بحر هزج سالم و ۱۲۳ غزل در بحر هزج مسدس سالم سروده است:

دلّم آشفتّه شد جاننا، به بالای بلای تو بکن رحمی به جان من که گشتم مبتلای تو  
دیوان امیرخسرو (ش ۱۶۴۵ ب ۱)

امیرخسرو از ازاحیف این بحر، از جمله: هزج مثنیٰ اُخرَب مکفوف مقصور و محذوف «مفعول، مفاعیل، مفاعیل، مفاعیل (فعولن)» ۱۱۴ بار استفاده کرده است. در بحر هزج مثنیٰ اُخرَب «مفعول مفاعیلن، مفعول مفاعیلن» نیز ۴۵ غزل (غزل شماره ۱۶۲۶) و در وزن «مفعول مفاعیلن فعولن»، بحر (هزج مسدس اُخرَب مقبوض محذوف) ۶۱ غزل سروده است.

بحر مضارع از اصل «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» به صورت مزاحف مکفوف «مفاعیل فاعلات مفاعیل فاعلات» ساخته میشود. این بحر سومین بحر شایع در دیوان غزلیات امیرخسرو است که در اوزان مثنیٰ اُخرَب (مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن) ۵۴ بار (ش ۱۹۴۶) و در بحر مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) ۲۰۰ بار به کار رفته است. امیرخسرو دهلوی ۳۵ غزل نیز در بحر مضارع مثنیٰ اُخرَب مکفوف محذوف (مستفعلن مفاعیلن مستفعلن فعل) سروده است.

بحر مجتث که از تکرار «مستفعلن، فاعلاتن، فاعلاتن، مستفعلن، فاعلاتن» به دست می‌آید- در دیوان غزلیات امیرخسرو به کار نرفته است، اما شکل «مثنیٰ مخبون» آن بر وزن «مفاعیلن فاعلاتن، مفاعیلن فاعلاتن» ۷ بار و در بحر مجتث مثنیٰ مخبون (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعولن) (فع لن) ۱۸۵ مورد وجود دارد:

چو ترک مست من آلوده شراب درآید ز شور او نمکی در دل کباب درآید  
دیوان امیرخسرو (ش ۸۹۲ ب ۱)

بحر خفیف که اصل آن «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. شکل مسدس خفیف این وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعولن» با تعداد ۱۱۵ غزل، پنجمین وزن شایع در دیوان غزلیات امیرخسرو است. اما صورت مزاحف مخبون آن که وزنی کم کاربرد است، «فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» تنها دو بار در دیوان امیرخسرو دهلوی آمده است. (غزل ش ۵۲ و ۹۵۷)

نو بهار آمد و حریف شرابم به تماشای نوبهار نیامد  
دیوان امیرخسرو (ش ۹۵۷ ب ۲) \* «فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن»

بحر رجز که از تکرار چهار یا سه بار مستفعلن حاصل میشود. ششمین وزن در دیوان غزلیات امیرخسرو دهلوی است:

جانم فدای قامتی کافاق را حیران کند از ناز چون گردد روان، رو در میان جان کند  
دیوان امیرخسرو (ش ۶۱۳ ب ۱) \* «مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن»

امیرخسرو ۹۷ غزل را در شکل کامل این بحر سرود و در ازاحیف این بحر نیز در بحر رجز مثنی مطوی مخبون، «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن» (غزل شماره ۴۷۰) ۴۳ غزل، و در بحر رجز مسدس مخبون «مفاعلهن، مفاعلهن، مفاعلهن» تنها دو غزل (غزل ش ۴۷۰ و ۱۰۴۵) دارد.

بحر منسرح نیز از «مستفعلن مفعولات مستفعلن مفعولات» ساخته شده است، امیرخسرو ۴۰ غزل خویش را در یکی از اوزان این بحر «مفتعلن فاعلهن، مفتعلن فاعلهن (مثنی مطوی مکشوف) سروده است:

ای به بدی کرده باز چشم بد آموز را  
بین به کمینگاه چرخ ناوک دلدوز را  
دیوان امیرخسرو (ش ۳۴ ب ۱)

یکی از زحافات این بحر «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» (منسرح مثنی مطوی منحور) است. امیرخسرو ۶ غزل در این بحر سروده است.

بحر متقارب نیز که از تکرار چهار بار «فعولن» به دست می‌آید. هشتمین وزنی است که امیرخسرو در سه وزن مشهور این بحر، از جمله: متقارب مثنی سالم (غزل ش ۱۰۰۲)، متقارب مثنی محذوف (فعولن، فعولن، فعولن، فعل) (غزل ش ۱۰۰۹) و متقارب مثنی مقصور (فعولن، فعولن، فعولن، فعول) (غزل ش ۱۰۰۶) و در یک مورد در بحر «متقارب مثنی ائلم» (مستفعلن فع مستفعلن فع) به کار برده است.

بحر سریع از اصل «مستفعلن مستفعلن مفعولات» به شکل مزاحف مطوی «مفتعلن مفتعلن فاعلات» ساخته میشود. این بحر دو وزن مشهور دارد. از جهت تکرار بسامد نهمین بحری را که امیرخسرو در غزلیات خویش به کار برده است، در یکی از این دو بحر یعنی «مفتعلن، مفتعلن، فاعلهن» در بحر سریع مسدس مطوی موقوف میباشد:

در تو کسانی که نظر میکنند  
هستی خود زیر و زبر میکنند  
دیوان امیرخسرو (ش ۹۵۵ ب ۱)

این وزن تنها ۱۶ بار در غزلیات امیرخسرو دهلوی به کار رفته است. امیرخسرو در بحر «بسیط مثنی مخبون نیز تنها یک غزل سروده است» (غزل ش ۱۶۳۸)

### اوزان حافظ از جهت تنوع

وزن در دیوان غزلیات حافظ شامل اوزان محدود و رایج زبان فارسی است، از جمله: بحر رمل که صورت کامل بحر رمل در میان چهارصد و نود و پنج غزل حافظ یک مورد نیز به کار نرفته است، اما ازاحیف این بحر در موارد زیادی به کار گرفته شده است: دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما  
چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما

«فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن»

بحر رمل مثنیٰ مقصور «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان» رمل مسدس محذوف «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» رمل مسدس مقصور: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلان» رمل مثنیٰ مخبون محذوف (مقصور): «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن» بحر رمل مثنیٰ مخبون اصلم: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فع لن» رمل مثنیٰ مخبون اصلم مسبغ: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فع لن» بحر رمل مثنیٰ مشکول: «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن» و در مجموع از میان ۴۹۵ غزل حافظ، ۱۸۰ غزل در ازاحیف مذکور از بحر رمل سروده شده است. (ر.ک به جدول ش ۲)

بحر مضارع نیز از اوزان پرکاربرد در دیوان حافظ است به گونه ای که ۹۲ غزل حافظ در ازاحیف مختلف این بحر سروده شده است. از جمله آنکه حافظ ۱۹ غزل در بحر مضارع مثنیٰ اُخرب: «مفعول، فاعلاتن، مفعول، فاعلاتن» و در مجموع ۷۴ غزل در دو بحر مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف: «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» و بحر مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور: «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» سروده است.

هفتاد و شش غزل از میان غزلهای دیوان حافظ در اوزان مختلف بحر هزج سروده شده است: بحر هزج مثنیٰ سالم: «مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن» بحر هزج مثنیٰ اُخرب: «مفعول، مفاعیلن، مفعول، مفاعیلن» بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف: «مفعول، مفاعیل، مفاعیل، فعولن» بحر هزج مثنیٰ اُخرب مکفوف مقصور: «مفعول، مفاعیل، مفاعیل، مفاعیل» بحر هزج مثنیٰ اُخرب مسبغ ضرب: «مفاعیل، مفاعیل، مفاعیل، مفاعیلان» بحر هزج مثنیٰ اُخرب مسبغ: هزج مسدس محذوف: «مفاعیلن، مفاعیل، فعولن» بحر هزج مسدس مقصور: «مفاعیل مفاعیل مفاعیل» بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض محذوف: «مفعول، مفاعیل، فعولن» بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض مقصور: «مفعول، مفاعیل، مفاعیل»

چهارمین وزن پرکاربرد در دیوان خواجه، بحر مجتث است که در زحافات زیر آمده است: مثنیٰ مخبون، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن» بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف: «مفاعیلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فعِلن» (غزل ش ۲ و ۵۲ غزل دیگر (ر.ک به جدول ش ۲) و ۶۱ غزل نیز در بحور مجتث مثنیٰ مخبون مقصور: «مفاعیلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فاعلان» و بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم: «مفاعیلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فع لن» و بحر مجتث مثنیٰ مخبون اصلم مسبغ: «مفاعیلن، فاعلاتن، مفاعیلن، فع لن» آمده است:

ز گریه مردم چشمم نشسته در خونست      ببین که در طلبت حال مردمان چونست  
دیوان حافظ (ش ۵۴ ب ۱)

یکی از بحور به کار رفته در دیوان حافظ بحر خفیف است. این بحر یکی از بحور کم کاربرد در غزلیات حافظ است به گونه‌ای که تنها هشت غزل (ش ۳۸۱، ۱۳، ۲۶۲، ۴۲، ۵۶، ۲۰، ۳۰۲، ۴۵۳) در ازاحیف بحر خفیف مسدس مقصور «فاعلاتن مفاعلهن» و بحر خفیف مسدس مخبون اصلم به کار رفته است:

حال خونین دلان که گوید باز      وز فلک خون خم که جوید باز؟  
دیوان حافظ (ش ۲۶۲ ب ۱)      \* «فاعلاتن مفاعلهن فع لن»

از دیگر اوزان کم کاربرد در دیوان غزلیات حافظ، بحر رجز است. چنانکه تنها هفت غزل در این بحر سروده شده است: پنج غزل در بحر رجز مثنی مطوی مخبون «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن» و بحر رجز مثنی مطوی مخبون مذال، «مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن» (غزل ش ۳۸۲، ۱۹۲، ۲۹۶، ۴۱۱، ۴۱۴) دو غزل نیز در بحر رجز کامل سروده شده است. (غزل ش ۱۹۱ و ۳۴۴)

حافظ تنها یک غزل در بحر مقتضب سروده است:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی      حاصل از حیات ای جان، این دمست تا دانی  
دیوان حافظ (ش ۴۷۳ ب ۱)      \* «فاعلات مفعولن فاعلات مفعولن»

و نیز تنها غزل ۲۸۴ از دیوان حافظ در بحرسریع سروده شده است:  
هاتفی از گوشه میخانه دوش      گفت: بیخشد گنه می بنوش  
\* «بحر سریع مسدس مطوی موقوف» بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلهن»

سه غزل نیز در دیوان حافظ در اوزان بحر منسرح سروده شده است: منسرح مثنی مطوی منحور «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» (غزل ش ۱۲۷ و ش ۲۳۲) بحر منسرح مثنی مطوی موقوف مکشوف «مفتعلن فاعلات مفتعلن فاعلهن» (غزل ش ۱۷۰)

حافظ چهار غزل نیز در بحر متقارب دارد. متقارب مثنی سالم: «فعلون فعولن فعولن فعولن» (غزل ش ۴۹۲)

بحر متقارب مثنی ائلم: «فع لن فعولن فع لن فعولن» (غزل ش ۳۸۳ و ۴۱۷ و ۴۱۸)

بنابراین در این بررسی و با ارائه مستندات آن در جداول پایانی معلوم میگردد، امیرخسرو نسبت به حافظ از اوزان متنوعتری استفاده نموده است. چنانکه حافظ، در میان ده بحری که به کار برده است، چهارصد و هفتاد غزل در بحر «رمل»، «مجتث»، «مضارع» و «هزج» دارد و مابقی غزلها در دیوان او در شش بحر باقیمانده است. بنابراین تنوع اوزان

حافظ از امیر خسرو کم تر است. البته محدودیت اوزان عروضی «سبب آشنایی به سرعت با تجربه موسیقایی فارسی زبانان در هر سطحی میشود. از جمله هنرهای حافظ آن است که ضمن حفظ فایده محدودیت وزنهای گوشنواز برای همگان - که به سبب عادت، سریع مخاطبان را جذب میکند - لحن و توان آنها را از طریق آهنگ حاصل از حروف کلمات و قافیه و ردیف برای القای احساسی خاص تغییر میدهد و یا تشدید میکند.» (گمشده لب دریا، پورنامداریان: ص ۹۶)

بطوریکه در غزلی با وزن عروضی «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلان»، بحر مجتث مثنی مقصور، هجای پایانی کلمات قافیه «اه» فضای حسرت و اندوه حاکم بر شعر را اندوهبار کرده است:

خنک نسیم معنیر شمامه دلخواه      که در هوای تو برخاست بامداد پگاه  
دلیل راه شو ای طایر خجسته لقا      که دیده آب شد از شوق خاک آن درگاه  
دیوان حافظ (ش ۴۱۶ ب ۲۰۱)

چنان مینماید که حافظ برای انگیزش عاطفه‌ای خاص در مخاطبان خود، بیش از رعایت جانب وزن و موسیقی بیرونی، به رعایت جانب موسیقی داخلی سروده‌های خویش متمایل است. «(خیل خیال، مظفری: ص ۲۱۵)

بدینگونه است که خوش آهنگترین اوزان در اشعار حافظ برای مضامین و مایه‌های عاطفی اندوه و یا به عکس اندوهبارترین و ملایمترین اوزان، برای مضامین عاطفی شاد به کار رفته است بی آنکه کمترین احساس ناهماهنگی و تنافر در خواننده ایجاد کند. چنانکه حافظ برای خاطر حزین خود وزنی طربناک چون (بحر هزج اُخرب)، که از طربناکترین اوزان شعری است انتخاب میکند:

«کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد      یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد»  
دیوان حافظ (ش ۱۶۱ ب ۱)

چرا که بخش اعظمی از موسیقی شعر در گرو عوامل موسیقی درونی است که «از وزن و نظم وسیعتر است.» (خیل خیال، مظفری: ص ۲۱۵) حتی میتوان گفت: تناقص در به کار بردن اوزان و مضامین شعری نوعی هنرمندی شاعر است. بنابراین آنچه در شعر اهمیت دارد هماهنگی ریتم و موسیقی شعر با فضا و مایه‌های درونی شعر است.

علاوه بر این، حافظ محدودیتهای ناشی از تنوع اوزان شعر را «به مناسبت‌های مختلف عاطفی، با استفاده از امکانات آهنگ کلمات و شیوه تقطیع افعیل عروضی، در ارتباط با کلمات و حروف شعر جبران میکند و در تنگنای محدودیت، تنوع به وجود می‌آورد. مثلاً در بحر هزج وقتی مقاطع «مفاعیلن» بر مقاطع کلمات منطبق میشود، زنگ و ریتم موسیقی

عروضی شعر نسبت به زمانی که مقاطع ارکان یک وزن بر مقاطع کلمات منطبق نمیشود، تفاوت پیدا میکند. چون در صورت اول میتوانیم در پایان هر رکن مکث کوتاهی کنیم در حالیکه در صورت دوم چون چنین مکثی در پایان کلمات نمی‌افتد، عملاً وقت خواندن امکان مکث در پایان ارکان افاعیل از میان میرود:

۱- دمی با غم / به سر بردن / جهان یکسر / نمی‌ارزد

۲- مدامم مس/ت می‌دارد / نسیم جعد / د گیسویت

با آنکه هر دو مصراع در بحر هزج است اما آهنگی که از آنها احساس میشود، متفاوت است. (گمشده لب دریا، پورنامداریان: ص ۱۰۰) علاوه بر موارد یاد شده، حافظ برای ایجاد تنوع و تکمیل موسیقی شعرش از عوامل دیگری نیز بهره گرفته است. از آنجا که بخش مهمی از موسیقی شعر در بخش کناری، به چگونگی کاربرد ردیف بستگی دارد، در ادامه این نوشتار کاربرد ردیف در غزلیات دو شاعر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

### ردیف عاملی مهم در ایجاد موسیقی کناری شعر

ردیف که همان کلمه یا عبارت مکرر و هم معنی در پایان مصراع یا بیت بعد از قافیه اصلی است از عواملی است که موسیقی کناری شعر را بوجود می‌آورد.

امیرخسرو دهلوی در مقدمه دیوان «غره الکمال» در مقایسه‌ای که میان شعر فارسی و عربی کرده است، فارسی را بر عربی ترجیح داده، ردیف را خاص ایرانیان و از ابداعات آنان برشمرده است. (گزیده آثار امیرخسرو دهلوی، فکرت صص ۱۳-۱۵)

ساختمان زبان فارسی برای تکمیل موسیقی شعر نیاز به ردیف دارد. از آنجا که «کلمات فارسی اعراب ندارد، نمی‌توانیم هیچگونه کشش صوتی ایجاد کنیم. در فارسی اندکی توقف روی حرکت قبل روی است اما این توقف بقدری نیست که موسیقی قافیه را اشباع کند. به همین علت است که برای تکمیل این موسیقی از راه دیگر که وجود ردیف است، استفاده میشود تا حروف مشترک پایان شعر را که یکی دو حرف بیشتر نیست، فزونی بخشد و موسیقی شعر را تکمیل کند. به طور قطع میتوان ادعا کرد، حدود هشتاد درصد غزلیات خوب زبان فارسی همه دارای ردیف هستند.» (موسیقی شعر، کدکنی: ص ۱۳۶)

امیرخسرو شاید نخستین شاعر و ناقدی باشد که به گونه‌ای نظری نیز متوجه اهمیت ردیف در زبان فارسی شده است. «همان: ص ۱۳۴» او از آنجا که شاعری موسیقیدان است به اهمیت ردیف در تکامل موسیقی شعر پی برده است و به همین دلیل شمار فراوانی از غزلیات او مردّف است چنانکه از میان ۱۹۹۶ غزل این شاعر حدود ۱۶۰۰ غزل آن مردّف است.



بیشتر ردیفهای امیرخسرو چنانکه تعداد بیشماری از آنها در جداول پایانی خواهد آمد، از نوع ردیف فعلی است و تعدادی از آنها نیز از نوع ردیف اسمیند. امیرخسرو از کلمات متنوعی برای ردیف استفاده نموده است. ردیفهای فعلی او از شمار بیشتری برخوردارند. امیرخسرو علاوه بر افعال ساده (است، بود، شد، نیست) افعال دیگری، نظیر: (گرفت، داشت، فرست، نگذشت، بگشت، شسته‌اند، می‌طلبد) و بسیاری دیگر از این موارد را در غزلیاتش فراوان به کار برده است.

به دیده و دل من، دوست خانه می‌طلبد چرا در آتش و آب آشیانه می‌طلبد؟  
دیوان امیرخسرو (ش ۹۰۷ ب ۱)

دسته دیگری از ردیفهای امیرخسرو، ضمائر هستند، ضمائر فاعلی، چون: (من، تو، او، ما) ضمائر پرسشی (کجا، کو) ضمیر مشترک (خود، خویش، خویشتن) ضمیر اشاره، (این، آن، همان) نیز شماری از ردیفهای امیرخسرو را شامل میشوند. امیرخسرو از حرف نیز به عنوان ردیف بهره گرفته است. به گونه‌ای که او تنها از حرف «را» پنجاه و دو بار استفاده کرده است. (رک به جدول ش ۳)

بیشتر ردیفها در دیوان غزلیات امیرخسرو کلمه و از نوع یک جزئی است. اما شماری از ردیفها نیز در غزلیات او از نوع ردیف چند جزئی است. حافظ در مقایسه با امیرخسرو از ردیف کمتری استفاده نموده است به گونه‌ای که او در پانصد و نود و پنج غزل، حدود ۱۴۱ غزل بدون ردیف دارد. یعنی در حدود ۱۰ درصد کمتر از امیرخسرو ردیف به کار برده است. ردیفهای حافظ نیز اغلب از نوع فعل و گاه اسم، ضمیر و حرف می‌باشد.

حافظ نیز علاوه بر افعال ساده (است، بود، شد) افعال دیگر، نظیر: (انداز، بخش، می‌زنم، بگردان، انداختی، اندازد، نفرستاد، می‌فرستمت و...) را نیز به عنوان ردیف به کار گرفته است. نکته قابل توجه در واژه‌های ردیفهای انتخابی حافظ آن است که برخی از افعال در شخصهای مختلف و زمانهای متفاوت به عنوان ردیف انتخاب شده اند چنانکه مثلا از مصدر «کردن» بیش از پانزده نوع فعل در زمانها و شخصهای متفاوت به کار رفته است و در حدود ۳۷ غزل با مشتقات این فعل ساخته شده اند. لذا چنانکه در جدول شماره ۴ آمده است تنوع ردیفهای فعلی امیرخسرو بیشتر از حافظ است.

چنانکه اشاره شد، ردیفهای فعلی در غزلیات امیرخسرو از شمار بیشتری برخوردارند. بطوری که از میان ۱۶۰۰ غزل مردّف در دیوان او، حدود ۱۲۵۷ غزل با ردیف فعلی آمده است و حدود ۱۱۳ غزل با ردیف اسم، صفت و یا مصدر به کار رفته است که برخی از آنها عبارت است از: آب (غزل ۱۱۳) امشب (غزل ۱۱۴) بهار (غزل ۱۰۹۳) قمر (غزل ۱۰۹۱) روز (۱۱۱۵) خم (غزل ۱۴۷) و مصادری نظیر: نتوان کردن (غزل ۱۵۱۸) گرفتن (غزل

۱۵۲۴) نمیتوان (غزل ۱۵۷۷) خوردن (غزل ۱۵۹۳)، بستن (غزل ۱۵۹۶) دیدن (غزل ۱۵۹۵) حافظ نیز در میان ۳۵۴ غزل مردّف، ۲۷۴ ردیف فعلی به کار برده است. نکته ای دیگر که در موسیقی ردیف اهمیت دارد، تعدا اجزاء تشکیل دهنده ردیف است. چرا که هر قدر ردیف طولانیتر باشد، موسیقی بر خاسته از آن نیز کاملتر خواهد بود. چنانکه در جدول ردیفهای امیرخسرو آمده است، در غزلیات امیرخسرو، ردیفهای یک جزئی بیشترین بسامد را دارد. اما تعداد زیادی نیز ردیف دو، سه و گاه چهارجزئی نیز در دیوان او یافت میشود. در دیوان حافظ بیشتر ردیفها یک جزئی است و طولانیترین ردیفهای دیوان حافظ سه جزئی و تنها یازده مورد<sup>(رک به جدول ش ۴)</sup> از این نوع است.

گوهر مخزن اسرار همان است که بود      حقّه مهر بدان مهر و نشان است که بود  
دیوان حافظ (ش ۲۱۳ ب ۱)

اما ردیفهای طولانی که شمار آن در دیوان امیرخسرو کم نیست، نشانه توجه این شاعر موسیقیدان به اهمیت جایگاه ردیف در تکمیل موسیقی شعر است. اگر چه این ردیفها محتوا را محدود میسازد اما از تأثیر آنها در موسیقی شعر نمیتوان غافل بود:  
ای زده ناو کم بجان، یک دوسه چاروپنج وشش / کشته چوبنده هر زمان، یک دوسه چاروپنج و شش  
دیوان امیرخسرو (ش ۱۱۴۹ ب ۱-۲)

اما با وجود آنچه گفته شد، موسیقی برخاسته از ردیفهای حافظ دلنشینتر است. چرا که از ویژگی های ردیف در دیوان حافظ آن است که او با استفاده از ردیف، تصاویر زیبایی ساخته است. (زیباترین ردیف در غزلهای حافظ، طاهری: ص ۵۷) بدین ترتیب خواجه با نوعی درهم تنیدگی ردیف با تصاویر زیبای شاعرانه به نوعی، موسیقی کناری خود را با موسیقی درونی شعر غنا بخشیده است. به عنوان نمونه در بیت زیر:

خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست      گشاد کار من اندر کرشمه های تو بست  
(غزل ش ۳۲ ب ۱)

ردیف «بست» در هر دو مصراع با تضادی که با گشا و گشاد دارد و با ایهامی که در «بست» در مصراع دوم به کار برده، با استفاده از ردیف و ترکیب آن با موسیقی درونی شعر که در گرو دو آرایه معنوی مذکور به وجود آمده است، به موسیقی بینظیر دست یافته است.

نکته دیگر در ارتباط با زیبایی شناسی ردیف و گاه قافیه در شعر حافظ آن است که این زیباسازی بدینگونه ایجاد شده است که مشخصترین حرف واژه ردیف در طول بیت، تکرار شده است و سبب ایجاد موسیقی بیشتر گشته است چرا که «یکی از نقشهای موسیقایی ردیف، همانند قافیه جذب مشخصترین صامتها و مصوتهای آن در طول یک بیت است»<sup>(ارزش</sup>

چند جنبه ردیف در دیوان حافظ، طالبیان: ص ۱۲) لذا حافظ به جای ردیفهای طولانی برای ایجاد موسیقی از همحروفی (واج آرایبی) با مشخصترین حرف ردیف استفاده کرده است:  
ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش      دلم از عشوه شیرین شکرخای تو خوش  
(حافظ، غزل ش ۲۸۷)

### نتیجه

از بررسی و مقایسه وزن و ردیف در غزلیات امیر خسرو دهلوی و حافظ این نتیجه به دست آمد که امیر خسرو دهلوی، به سبب اشراف بر موسیقی، از اوزان متنوعتری استفاده کرده است چنانکه او به ترتیب کاربرد از اوزان معروفی چون: رمل، هزج، مضارع، مجتث خفیف، رجز، منسرح، متقارب و سریع استفاده کرده است. حافظ به نسبت امیر خسرو از وزنهای محدودتری استفاده کرده است چنانکه چهارصد و هفتاد غزل حافظ در چهار وزن معروف رمل، هزج، مضارع و مجتث است اما شاعر محدودیتهای ناشی از تنوع اوزان شعر را به مناسبت‌های مختلف عاطفی، با استفاده از امکانات آهنگ کلمات و شیوه تقطیع افعیل عروضی در ارتباط با کلمات و حروف شعر، جبران کرده، تنوع بیشتری به وجود آورده است. در بخش موسیقی کناری نیز از شگردهایی چون استفاده از همصدایی با اصلیت‌ترین حرف ردیف یا قافیه، در طول بیت، با ایجاد همصدایی، به تکمیل موسیقی شعرش پرداخته است. بنابراین حافظ به جای ردیفهای طولانی برای ایجاد موسیقی از همحروفی (واج آرایبی) با مشخصترین حرف ردیف استفاده کرده است.

بنابراین میتوان گفت: غزلیات امیر خسرو از حیث موسیقی کناری از غزلیات حافظ غنیتر است. اما آنچه موسیقی غزلیات حافظ را در دلپذیری و روح نوازی شگرف ساخته، به ظرافتهایی باز بسته است که کمتر شاعری به آنها توجه نشان داده است. یکی از این ظرافتهای حافظ در به کارگیری حروف قافیۀ مناسب با فضای عاطفی شعر است، که موسیقی و ریتم شعر را با زمینه ذهنی مخاطب آماده میکند و نیز حافظ به عوامل موسیقایی درونی شعر توجه بیشتری کرده است.

جدول (۱) اوزان پر کاربرد امیر خسرو دهلوی

بحر مجتث	بحر مضارع	بحر هزج بحر هزج	بحر رمل
بحر مجتث مثنی	۴۱ الی ۴۴-۵۸	مثنی سالم: غزل	مسدس مقصور: غزل ش
مخبون: غزل ش	۷۴-۸۸-۹۰	ش ۳-۴-۵-۱۰	۱۷۷۵ الی ۷۹۸-۱۰۹۷
۴۵ الی ۵۱-۷۰	۱۱۳	۱۱-۱۲-۱۳-۸۲	۱۰۹۸-۱۱۲۴-۱۱۶۶
۷۹-۹۱-۱۰۷	۱۲۸۳ الی ۳۱۸	۱۰۶-۱۱۴۰ الی ۱۶۸	۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۲۳۲
۱۱۱۵ الی ۱۱۷	۳۸۶-۳۹۴	۷۲-۶۹-۶۵	۱۳۸۳ الی -
۱۳۱۹ الی ۳۴۶	۳۹۵-۴۰۶-۴۰۹	۷۳-۷۵-۸۶	۱۵۶۵-۱۵۶۶-۱۶۱۱
۱۳۹۶ الی ۴۰۷-۴۰۵	۸۴۵ الی ۸۵۰	۴۱۰ الی ۴۶۹	۱۶۱۲-۱۶۲۴-۱۶۳۴
۴۰۸-۸۸۹-۸۹۰	۸۸۷ الی ۸۵۲	۱۰۱۵ الی ۱۰۲۱	۱۶۳۵-۱۶۵۶-۱۹۴۸
۸۹۱-۱۱۰۷	۸۸۸-۱۷۷۴	۱۰۴۳-۱۰۴۶	۱۹۴۷-۱۸۶۵-۱۸۶۴
۹۲۴ الی ۹۴۰-۳۸۲	۱۷۶۶-۱۹۰۷	۱۰۵۶-۱۱۹۶	۱۸۶۳-۱۸۶۲-۱۸۶۱
۳۸۴-۸۴	۱۱۹۵۰ الی ۱۹۵۴	۱۱۹۷-۱۱۹۸	۱۷۸۸-۱۷۸۵-۱۷۸۴
۹۱۳ الی ۱۹۰۹	۱۰۲۴-۱۰۲۹	۱۲۰۱-۱۲۰۲	۱۷۷۳-۱۷۳۷-۱۷۳۶
۹۱۵ الی ۹۲۳-۱۴۸۶	۱۰۳۱-۱۰۳۵	۱۲۰۵-۱۴۹۰	۱۷۳۵-۱۷۳۴-۱۷۳۳
۱۶۳۶-۱۷۶۹-۱۸۸۵	۱۱۷۶ الی ۱۱۸۱	۱۲۳۳ الی ۱۲۵۸	۱۷۳۲-۱۶۹۷-۱۶۹۶
۱۹۰۶ الی ۱۹۴۱-۹۵۲	۱۲۰۳-۱۲۰۶	۱۴۹۹-۱۶۲۷	رمل مثنی مقصور
۱۰۱۱-۱۰۲۰-۱۰۲۲	۱۲۰۷-۱۲۱۹	۱۱۵۰۴ الی ۱۵۱۵	۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳
۱۰۲۵-۱۰۲۸-۱۰۴۰	۱۲۳۱-۱۰۴۱	۱۱۶۴۴ الی ۱۶۴۸	۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷
۱۰۴۲-۱۰۴۷-۱۰۵۰	۱۰۵۱-۱۰۶۷	۱۱۶۹۰ الی ۱۶۹۴	۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱
۱۰۵۲ الی ۱۰۵۵-۱۰۶۱	۱۱۳۹۶ الی ۱۴۲۰	۱۶۹۸-۱۶۹۹	۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵
۱۱۱۰ الی ۱۱۱۰	۱۴۹۵	۱۷۰۰-۱۷۰۱	۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹
۱۱۸۲ الی ۱۱۸۴	۱۵۷۸ الی ۱۵۸۸	۱۷۶۸-۱۸۸۸	۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳
بحر مجتث	۱۶۳۲	۱۹۰۱-۱۹۰۴	۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷
مثنی مخبون	۱۱۶۷۵ الی ۱۶۸۳	۱۹۰۵-۱۹۶۳	۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱
مقصور (محدوف)	۱۷۴۷-۱۷۴۸	۱۹۶۶-۱۹۶۹	۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵
۱۲۱۵--۱۹۶۷	۱۷۸۶-۱۷۸۷	۱۹۷۱-۱۹۷۴	۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹
۱۴۲۲ الی ۱۴۲۹	۱۷۹۰-۱۷۹۱	۱۹۷۵-۱۹۹۴	۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳
۱۴۳۲ الی ۱۴۶۱	۱۸۷۰-۱۸۷۱	هزج مسدس	۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷
۱۵۸۹ الی ۱۵۹۲	مضارع مثنی	مقصور ۱۰۲۷	۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱
۱۵۹۷	اخر ب	۵۳۰ الی ۵۷۶	۶۸۲-۶۸۳
۱۷۴۹ الی ۱۷۵۷	۳۸-۳۹	۱۰۶۴-۱۲۱۶	رمل مسدس مخبون

۱۹۱۲-۱۹۰۲-۱۸۹۴	۱۱۷۳الی۱۱۷۵	۱۰۷۳الی۱۰۷۰	۱۱۷۱-۱۱۷۰-۱۱۶۹-۱۰۹۹
۱۰۴۸-۱۰۳۷-۱۰۲۳	۱۱۲-۸۳-۷۶	۱۱۱۷الی۱۱۱۵	۱۶۶۹-۱۳۸۵-۱۳۸۴
۱۰۶۵-۱۰۶۰-۱۰۵۷	۲۸۲-۲۸۱	۱۱۴۲الی۱۱۴۶	۱۷۳۸-۱۳۸۷-۱۳۸۶
۱۱۲۸-۱۱۲۷-۱۰۶۸	۳۸۸	۱۲۲۵الی۱۱۲۲۱	۱۸۶۰-۱۸۶۶-۱۸۶۷
۱۱۳۹-۱۱۳۸-۱۱۲۹	۸۱۴الی۸۲۹	۱۲۷۶الی۱۲۹۶	رمل مثنی مخبون
۱۹۰۸	۱۱۰۱-۱۱۰۰-۱۰۱۲	۱۶۱۳-۱۴۸۵	۲۱۵-۲۷-۲۶-۲۵-۲۰-۱
۱۵۹۶الی۱۱۵۹۳	۱۲۰۸	۱۵۲۵الی۱۱۵۱۹	۲۱۹-۲۱۸-۲۱۷-۲۱۶
۱۹۱۱-۱۵۹۹-۱۵۹۸	۱۳۹۴الی۱۱۳۸۸	۱۷۰۹الی۱۱۷۰۵	۲۲۳-۲۲۲-۲۲۱-۲۲۰
۱۹۷۳-۱۹۹۰-۱۹۷۲	۱۶۲۱	۱۷۹۴-۱۷۹۳	۲۲۷-۲۲۶-۲۲۵-۲۲۴
۱۹۷۶	۱۷۴۶الی۱۱۷۴۱	۱۸۰۹الی۱۱۸۰۲	۲۳۱-۲۳۰-۲۲۹-۲۲۸
	۱۸۵۹-۱۸۵۸	۱۸۱۳الی۱۱۸۱۱	۲۳۴-۲۳۳-۲۳۲-۸۹
	۱۸۹۵-۱۸۶۹	۱۹۱۵-۱۹۱۴	۲۳۶-۲۳۵
	۱۹۱۰-۱۹۰۰	۱۹۱۹-۱۹۱۸	۱۰۲۶-۷۷۴الی۱۶۹۹-
	۱۹۴۶-۱۹۴۵	۱۹۲۵-۱۹۲۴	۱۰۹۴-۱۰۹۳-۱۰۳۸
	۱۹۵۷	۸-۱۹۳۰-۱۹۲۹	۱۱۲۲-۱۰۹۶-۱۰۹۵
	مضارع مثنی	۹-	۱۱۶۵-۱۱۶۴-۱۱۲۳
	اخر ب مكفوف	هزج مسدس	۱۳۵۰-۱۲۳۰-۱۲۲۹
	محذوف	اخر ب مقبوض	الی۱۴۹۸-۱۴۸۷-۱۳۷۱
	ومقصور: ۶۰-۱۰۵-	محذوف ۵۵-۸۰-	۱۶۱۵-۱۶۰۸-۱۵۰۳
	۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲	۱۰۷۴	۱۶۴۰-۱۶۲۹-۱۶۱۸
	۸۳۴-۸۳۳	۱۱۶۹الی۱۸۲	۱۷۲۹-۱۷۲۶-۱۶۹۵
	الی۸۳۶-۸۳۵	۱۰۷۶-۱۰۷۵	۱۷۶۵-۱۷۳۱-۱۷۳۰
	الی۱۱۰۲-۸۴۴	۱۱۱۸-۱۰۷۷	۱۷۸۳-۱۷۸۲-۱۷۸۱
	۱۱۲۶-۱۱۰۶	۱۱۴۸-۱۱۴۷	۱۸۵۷الی۱۸۴۷-۱۸۳۳
	الی۱۱۵۷۳-۱۱۲۵	۱۲۹۸-۱۲۹۷	۱۹۱۷-۱۹۱۶-۱۴۸۹
	۱۵۸۰-۱۵۷۷	۱۳۰۰-۱۲۹۹	۱۹۸۵-۱۹۸۹-۱۹۴۴
	۱۸۷۵-۱۷۹۲	۱۳۰۲-۱۳۰۱	۱۹۹۵-۱۹۸۴
	۱۸۷۷-۱۸۷۶	۱۳۰۴-۱۳۰۳	۱۹۹۱-۱۹۸۷-۱۹۸۲
		۱۳۰۶-۱۳۰۵	رمل مسدس سالم
		۱۵۲۷-۱۵۲۶	الی۲۵۰-۲۷۰-۱۶۹۲
		۱۵۲۹-۱۵۲۸	رمل مثنی مشکول: غزل
		۱۵۳۱-۱۵۳۰	ش ۲۸الی۲۴۶-۲۴۹
بحر متقارب-	بحر جزمثنی		
منسرح و بحر سریع	سالم		

متقارب مثنی	۱۴-۱۵-۱۶-۵۷-	۱۵۳۳-۱۵۳۲-	۱۱۱۳-۶۹۸-۱۱۱۳
مقصود	۶۴-۶۶-۶۷-۷۱-	۱۱۷۱-۱۱۷۱-	۱۱۳۴۵-۱۳۴۸-۱۶۸۰-
۵۴-	۱۰۳-۱۰۴-۱۸۳-	۱۹۸۰-۱۹۳۲-	۱۶۴۲-۱۶۴۳-۱۷۲۶-
۳۷۲-۳۷۸-۹۵۶-	۳۸۹-۶۰۳-۶۱۷-	۱۹۳۱-۱۸۱۴-	۱۷۲۷-۱۷۲۸-۱۸۴۵-
۱۰۰۵-۱۰۰۹-	۶۱۸-۶۱۹-۱۰۵۹-	۱۸۱۵-۱۸۲۰-	۱۸۴۶-۱۹۴۰-۱۹۴۱-
۱۰۱۴۱۱۹۳-	۱۰۷۸-۱۰۸۱-	هزج مثنی آخر:	۱۹۴۲-
۱۴۸۴-۱۴۷۹-	۱۱۹۹-۱۲۱۲-	غزلهای ش ۶-۷-	رمل مسدس سالم : غزل
۱۶۰۵-۱۶۰۷-۱۷۶۱-	۱۲۱۳-۱۲۱۷-	۹۷-۱۲۴-۴۷۱-	های ش ۶۸۴-۶۸۵-
۱۷۶۲-۱۹۶۲-۱۰۶۶-	۱۶۰۴-۱۶۰۴-	۴۸۱-۱۰۶۹-	۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-
۱۸۸۴-۱۸۸۳-	۱۳۰۷-۱۳۱۹-	۱۴۹۱-۱۵۰۱-	۶۹۰-۶۹۱-۹۱۴-۱۰۸۴-
۱۸۸۲-۱۷۶۳-	۱۵۳۴-۱۵۴۴-	۱۰۳۹-	۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-
متقارب مثنی سالم	۱۶۰۹-۱۶۱۴-	۱۱۶۴۹-۱۶۵۲-	۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-
۹۹۹-۱۰۰-	۱۶۱۷-۱۶۱۹-	۱۲۲۰-۱۲۵۹-	۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۳۲-
۱۰۰۰-۱۰۰۴-	۱۶۲۲-۱۶۲۳-	۱۲۶۱-۱۲۶۲-	۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-
منسرح مطوی	۱۶۲۸-۱۶۳۹-	۱۵۱۶-۱۵۱۷-	۱۱۳۷-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-
مکشوف	۱۶۵۷-۱۶۶۱-	۱۵۱۸-۱۶۲۶-	۱۱۵۳-۱۱۵۴-
۳۳-۳۶-۷۷-	۱۶۸۹-	۱۷۰۲-۱۷۰۳-	۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-
۱۲۰-۱۲۳-	۱۱۷۲۰-۱۷۲۴-	۱۸۱۰-۱۸۸۹-	۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-
۲۷۸-۲۷۱-	۱۷۶۴-۱۷۷۱-	۱۸۹۰-۱۸۹۳-	۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۲۰۱-۱۲۱۰-
۱۰۳۲-۸۰۵-۱۷۹۹-	۱۷۷۲-	۱۹۲۶-۱۹۲۸-	۱۲۱۱-۱۲۱۴-۱۲۲۷-
۱۰۵۸-۱۱۷۲-	۱۱۷۷۵-۱۷۷۸-	۱۹۶۴-۱۹۶۵-	۱۲۲۸-۱۳۲۴-۱۳۲۵-
۱۵۷۲-۱۱۵۶۷-	۱۸۲۱-۱۸۲۵-	هزج مثنی آخر	۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-
۱۶۷۴-۱۱۶۷۰-	۱۹۳۳-۱۹۳۴-	مکشوف محذوف	۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-
۱۸۶۸-۱۷۴۰-۱۷۳۹-	۱۹۷۷-۱۹۸۸-	۵۶-۶۱-۱۰۸-	۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-
۱۹۴۹-	رجز مثنی مطوی	۱۱۲۵-۱۳۹-	۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-
سریع مسدس	مخبون	۴۸۲-۵۲۹-	۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-
مطوی موقوف	۱۷-۶۲-۶۳-۶۸-	۱۰۱۳-۱۰۳۰-	۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-
۳۴۷-۳۴۸-	۸۵-۸۷-۹۲-	۱۰۴۴-۱۰۴۹-	۱۳۴۴-۱۳۴۹-۱۴۸۸-
۳۴۹-۳۵۰-۸۱۰-	۱۶۲۰-۶۲۶-	۱۰۶۲-۱۱۳۶-	۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-
۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-	۱۰۸۲-۱۰۸۴-	۱۱۹۴-۱۱۹۵-	۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-
۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-	۱۱۴۹-	۱۲۰۰-	۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-
۱۷۸۹-۱۶۰۲-۱۶۰۱-	۱۳۲۳-۱۱۳۲۰-	۱۲۶۳-۱۲۷۵-	۱۵۵۸-۱۵۵۹-۱۵۶۰-
۱۹۵۸-	۱۱۵۴۵-۱۵۴۸-	۱۱۴۹۲-۱۴۹۷-	۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-

	۱۶۲۰-	۱۶۳۱-۱۵۰۰-	۱۶۲۵-۱۶۱۶-۱۵۶۴-
	۱۱۶۶۲ الی ۱۶۶۵-	۱۶۴۱-	۱۶۳۷-۱۶۳۳-۱۶۳۰-
	۱۷۲۵-	۱۱۶۵۳ الی ۱۶۵۵-	۱۶۶۸-۱۶۶۷-۱۶۶۶-
	۱۱۸۲۶ الی ۱۸۳۲-	۱۶۸۸-۱۷۰۴-	۱۷۸۰-۱۷۷۹-۱۷۶۷-
	۱۹۳۶-۱۹۳۵-	۱۱۷۹۵ الی ۱۸۰۱-	۱۸۳۶-۱۸۳۵-۱۸۳۴-
		۱۸۹۸-۱۹۰۳-	۱۸۳۹-۱۸۳۸-۱۸۳۷-
		۱۱۹۲۰ الی ۱۹۲۳-	۱۸۴۲-۱۸۴۱-۱۸۴۰-
			۱۹۳۹-۱۹۳۸-۱۹۳۸-
			۱۹۹۲-۱۹۸۳-
			۲۲-۲۱-۱۹-۱۸-۱۵-۲-
			۳۱-۳۰-۲۹-۲۴-۲۳-
			۹۵-۹۴-۹۳-۵۹-۳۲-
			۱۰۹-۱۰۲-۹۹-۹۸-۹۶-
			۱۲۲-۱۱۸-۱۱۱-
			۱۱۸۴ الی ۲۱۴-

جدول (۲) اوزان پر کاربرد حافظ

بحر مزارع	بحر هزج	بحر مجتث	بحر رمل	بحر رمل
	مِثْمَن سَالِم	-۲۳-۲۲-۲	-۷۵-۷۴-۷۳	رمل مسدس
مِثْمَن اِخْرَب	وَمَسْبِغ	-۳۴-۳۲-۲۵	-۱۶۶-۱۶۴	مَحذُوف و
-۱۲۶-۹۴-۵	-۱۱۵-۹۵-۳-۱	-۵۳-۵۰-۴۵	-۱۷۴-۱۷۳	مَقْصُور: غَزَل
-۲۳۱-۱۷۱-۱۵۴	-۱۲۱-۱۲۰	-۷۹-۶۴-۵۸	-۲۳۶-۲۰۸	هَای ش ۸-۹۶
-۳۰۷-۲۳۳	(مَسْبِغ-۱۴۶)	-۱۰۱-۹۸-۹۳	-۲۶۴-۲۵۷	-۱۹۷-۱۰۳
-۳۹۲-۳۸۴	-۱۵۳-۱۵۱-۱۴۹	-۱۶۸-۱۵۶-۱۰۶	-۳۴۱-۲۶۸	-۳۶۳-۳۰۸
-۴۲۶-۴۲۵	-۱۶۵-مَسْبِغ-۱۹۴	-۱۸۷-۱۷۹	-۱۱۱-۱۳۴	-۳۶۹
-۴۳۴-۴۳۲	-۲۸۸-۲۷۸	-۱۹۵-۱۸۸	-۱۱۲-۱۴۱	رمل مِثْمَن
-۴۴۴-۴۳۵	-۳۲۷-۳۱۸	-۲۲۱-۲۱۹-۲۱۵	-۱۵۲-۱۵۰	مَحذُوف
۴۸۹-۴۶۴-۴۶۲	-۳۵۶-۳۵۴	-۲۳۸-۲۲۴	-۱۵۸-۱۵۷	و مَقْصُور:
مِثْمَن مَخْبُون	مَسْبِغ-۳۷۰	-۲۴۲-۲۳۹	-۱۸۳-۱۵۹	-۱۴-۱۲-۱۰
اصلم: ۲۳۷	۳۷۴-مَسْبِغ-	-۲۴۷-۲۴۴	-۲۰۵-۲۰۴	-۶۲-۴۳-۳۱
مِضَارِع مِثْمَن	-۴۵۴-۴۴۰-۴۱۲	-۲۸۳-۲۵۶	-۲۷۷-۲۰۷	-۸۳-۷۷-۷۱
اِخْرَب مَكْفُوف	-۴۷۴	-۲۹۷-۲۹۲	-۳۵۹-۳۴۰	-۱۹۹-۱۶۹-۹۲
مَحذُوف (مَقْصُور):	مَسدس مَقْصُور و	-۲۹۹-۲۹۸	-۳۶۶-۳۶۰	-۲۱۲-۲۰۶
-۳۹-۳۳-۳۰-۱۱	مَحذُوف:	-۳۳۰-۳۰۰	-۳۶۸-۳۶۷	-۲۴۰-۲۰۱۸
-۶۵-۶۳-۶۰-۵۹	-۱۰۴-۹۹-۵۵	-۳۴۲-۳۳۹	-۳۷۷-۳۷۳	-۳۹۰
-۸۶-۷۸-۷۲	-۲۱۷-۱۳۷-۱۳۰	-۳۵۸-۳۵۰	-۳۸۵-۳۷۸	-۲۶۵-۲۵۵
-۱۰۰-۹۱-۹۰-۸۷	-۲۵۱-۲۴۵	-۳۸۸-۳۷۹	-۴۲۰-۳۸۷	-۲۹۴-۲۶۷
-۱۳۸-۱۳۳-۱۰۲	-۲۸۲-۲۷۹	-۴۰۵-۳۹۷	-۴۴۸-۴۲۳	-۲۷۶-۲۸۶
-۱۸۶-۱۸۰-۱۳۹	-۳۳۲-۳۳۱	-۴۵۲-۴۲۱	-۴۵۶-۴۴۹	-۳۴۶-۳۰۹
-۲۰۰-۱۹۸-۱۹۶	-۳۸۹-۳۸۶	-۲۸-۱۶-۴۵۷	-۴۷۲-۴۵۸	-۳۵۲-۳۴۹
-۲۲۵-۲۲۰-۲۱۴	-۴۳۱-۴۲۸-۴۱۹	-۴۱-۳۷-۳۵	-۴۸۱-۴۸۰	-۴۰۲-۴۰۱
-۲۴۳-۲۲۹-۲۲۶	-۴۴۷-۴۳۸	-۵۴-۴۷-۴۴	-۳۶۱-۴۸۵	-۴۳۳-۴۱۰
-۴۰۸-۴۰۶-۲۴۶	-۴۶۳-۴۶۰	-۷۶-۶۶-۶۱	-۳۸۰-۳۷۶	-۴۷۰
-۴۱۵-۴۱۳-۴۰۹	۳۲۳-۴۸۳	-۱۱۴-۹۷-۸۸	-۴۰۴-۳۹۱	رمل مِثْمَن
-۴۲۹-۴۲۴	هَزَج مِثْمَن	-۱۲۲-۱۱۹-۱۱۶	-۴۲۲-۴۰۷	مَخْبُون:
-۴۳۹-۴۳۷	مَكْفُوف، مَحذُوف	-۱۳۲-۱۳۱-۱۲۹	-۴۵۵	-۱۹-۱۷-۱۸-۹
-۴۶۵-۴۵۹-۴۵۱	و مَقْصُور:	-۱۴۵-۱۳۵	-۴۸۸-۴۸۴	-۵۱-۲۶-۲۴
-۴۸۲-۴۷۹	-۴۰-۳۸-۲۹-۱۵	-۱۶۰-۱۵۵-۱۴۷	۴۹۰	-۸۱-۸۰-۵۲
-۴۸۷-۴۸۶	-۸۲-۶۹-۴۶	-۱۷۵-۱۶۷		-۱۰۵-۲۰۲



-۲۶۰-۲۵۴-۲۵۳	-۱۱۰-۱۰۹-۸۹	-۲۳۹-۱۷۷	-۱۲۳-۱۰۸
-۲۹۱-۲۸۵-۲۷۵	-۳۰۴-۲۷۲-۲۱۶	-۲۴۱-۲۳۵	-۱۷۸-۱۲۴
-۳۲۰-۳۱۳-۳۱۲	-۳۳۵-۳۲۵	-۲۶۳-۲۶۱	-۱۸۲-۱۸۱
-۳۲۹-۳۲۱	۴۹۴-۴۷۵-۴۳۶	-۲۶۹-۲۶۶	-۳۱۷-۳۱۶
-۳۴۳-۳۳۸	هزج مثنیٰ اُخرب	-۲۷۳-۲۵۸	-۳۲۴-۳۱۹
-۳۵۳-۳۵۱	مکفوف مقصور:	-۱۴۴-۲۵۹	-۳۵۷-۳۲۶
-۳۶۴-۳۶۲	۳۷۱	-۴۷۷-۱۱۳	-۲۵۲-۳۵۵
-۳۷۲-۳۶۵		۴۵-۴۷۱	-۲۴۹-۲۵۰
-۳۹۴-۳۷۵			-۳۴۸-۲۴۸
۲۹۱-۱۴۰-۳۹۵			-۲۲۸-۳۴۷
			-۲۱۱-۲۲۷
			-۱۴۳-۱۴۲
			-۱۲۸-۱۳۶
			-۲۲۲-۸۵
			-۲۱۰-۲۱۳
			-۱۹۳-۲۰۹
			-۱۸۹-۱۹۰
			-۱۸۴-۱۸۵
			-۲۰-۲۱-۳۶
			-۵۷-۴۹-۴۸
			-۳۳۶-۳۴۵
			-۳۱۴-۳۲۸
			-۳۱۰-۳۱۱
			-۲۹۳-۳۰۱
			-۲۸۷-۲۸۹
			-۲۷۱-۲۸۱
			-۴۸-۴۹-۵۷
			-۶۸-۶۷-۱۲۵
			۱۷۶-۷۰

## منابع

۱. ارزش چند جانبه ردیف در شعر حافظ ، طالبیان ، یحیی. (۱۳۸۴) ، مجله پژوهش‌های ادبی ، ش ۸ ، صص ۲۸-۲۹.
۲. امیر خسرو دهلوی و موسیقی دیوان او ، کی منش، عباس. (۱۳۸۷) ، مجله حافظ ، ش ۵۸ .
۳. پیوندهای آوایی و شعر عباس یمنی شریف ، شعبانی ، اسدالله. (۱۳۸۶) ، پژوهشنامه ادبیات کودک، ش ۵ .
۴. حافظ و خسرو ، مجتبیایی ، فتح الله ، (۱۳۶۴) ، فصلنامه آینده، ش ۲۴.
۵. حافظ و قواعد قافیه و ردیف ، کامران ، ماشاءالله ، (۱۳۸۳) ، ماهنامه حافظ ، ش ۸ .
۶. حافظ و موسیقی ، ملاح ، حسینعلی ، (۱۳۶۷) ، تهران ، هنر و فرهنگ.
۷. خیل خیال ، مظفری ، علی‌رضا ، (۱۳۸۱) ، ارومیه، انتشارات دانشگاه ارومیه.
۸. دیوان غزلیات امیر خسرو ، دهلوی ، امیر خسرو . (۱۳۸۰) ، تصحیح محمد روشن ، تهران: نگاه
۹. دیوان غزلیات، حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۹) ، تصحیح خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.
۱۰. زیباترین ردیف در غزلهای حافظ ، طاهری ، حمید، تیر، (۱۳۸۳) ، ماهنامه، ش ۲۱۳ ، کیهان فرهنگی.
۱۱. عروض در غزلهای حافظ ، خلیل زاده ، عباس ، (۱۳۸۱) ، رشت ، حرف نو .
۱۲. عروض فارسی ، ماهیار، عباس ، (۱۳۷۸) ، تهران ، قطره.
۱۳. گزیده آثار امیر خسرو دهلوی ، فکرت ، محمد آصف ، (۱۳۵۳) ، افغانستان ، وزارت اطلاعات و کلتور.
۱۴. گمشده لب دریا ، پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۲) ، تهران ، سخن.
۱۵. موسیقی شعر ، شفیعی کدکنی ، محمدرضا ، (۱۳۷۶) ، تهران ، آگاه.
۱۶. موسیقی کلمات در شعر فارسی ، یوسفی ، غلامحسین، (۱۳۶۹) ، ادبستان فرهنگ و هنر، ش ۱۲.